





وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده زبان و ادبیات
گروه پژوهشی ترجمه

**بررسی تحلیلی ترجمه استعاره، در جزءهای ۱۲ تا ۱۵ قرآن کریم بر اساس نظریه پیترو نیو مارک
(بررسی موردی ترجمه‌های ناصر مکارم شیرازی، بهاءالدین خرمشاهی و طاهره صفارزاده)**

استاد راهنما:
دکتر رمضان رضائی

استاد مشاور:
دکتر یدالله رفیعی

نگارش:
عباس خندان

تیر ماه ۱۳۹۷

سپاسگزاری

- پروردگار یکتایی را که لحظه‌هایمان همه سرود نیایش اوست و تمنای با او بودن تمام معنی زندگی‌مان است. و اکنون ای مهربانترین، مرا جز به محبت بی کران خود محتاج مگردان و در لحظه‌های ناتوانی و نیاز، مرا به خود وا مگذار.
- خداوند منان را بسیار سپاسگزارم که بر من منت نهاد و توفیق عطا کرد تا با همه سختی‌ها و مشکلات، کار خود را به سرانجام رسانم. بر خود لازم می‌دانم در اینجا از زحمات تمام کسانی که مرا در این امر یاری نمودند صمیمانه تشکر نمایم و حاصل این پژوهش را به آنان تقدیم نمایم. بر حسب وظیفه، از زحمات استاد گرانقدرم جناب آقای دکتر رمضان رضائی که راهنمایی این پایان‌نامه را بر عهده داشتند صمیمانه و مخلصانه تقدیر و تشکر می‌نمایم و باعث افتخار هر دانشجویی می‌باشد که از راهنمایی علمی و پژوهشی ایشان در امر تحقیق بهره‌مند گردد.
- همچنین از جناب آقای دکتر یدالله رفیعی که به عنوان استاد مشاور مرا در این پایان‌نامه همراهی کردند کمال تشکر و قدردانی را دارم.

تقدیم به:

استوارترین تکیه گاهم، پدرم؛
سبزترین نگاه زندگی ام، مادرم؛
همدم لحظه های بودنم، همسرم؛
و امیدهای زندگی ام، فرزندانم.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
چکیده	۱
فصل اول: کلیات تحقیق	۲
۱-۱. بیان مسأله	۳
۲-۱. پرسش‌های پژوهش	۴
۳-۱. فرضیه‌های پژوهش	۵
۴-۱. پیشینه پژوهش	۵
فصل دوم: ترجمه استعاره بر اساس نظریه پیترو نیومارک	۹
۱-۲. ترجمه و روش‌های آن	۱۰
۲-۲. مشکلات خاص ترجمه از عربی به فارسی و برعکس	۱۹
۳-۲. ترجمه متون دینی	۲۱
فصل سوم: چگونگی ترجمه استعاره‌های قرآنی	۲۵
۱-۳. استعاره در لغت	۲۶
۲-۳. استعاره در اصطلاح	۲۶
۳-۳. آرای دانشمندان و أدباء در مورد استعاره	۲۷
۴-۳. استعاره و زندگی	۲۹
۵-۳. ارکان استعاره	۳۰
۶-۳. تقسیم بندی استعاره	۳۱
۷-۳. استعاره در قرآن	۳۶
۸-۳. ترجمه استعاره	۳۸
۹-۳. چگونگی معادل‌یابی استعاره	۳۹
۱۰-۳. تقسیم‌بندی استعاره توسط لیکاف و جانسون	۴۲
۱۱-۳. استعاره‌های جزء دوازدهم	۴۸
۱۲-۳. جزء سیزدهم	۵۷
۱۳-۳. جزء چهاردهم	۷۲
۱۴-۳. جزء پانزدهم	۸۷
۱۵-۳. استعاره‌های جدید در جزءهای دوازده تا پانزده	۱۰۴
۱۶-۳. برخی از مهمترین حوزه‌های مبدأ پرکاربرد استعارات مفهومی	۱۰۴

۱۱۴	۳-۱۷. استعاره‌های جهتی در جزءهای ۱۲ تا ۱۵ قرآن کریم.....
۱۲۱	نتیجه‌گیری.....
۱۲۴	پیوست‌ها.....
۱۲۵	جدول ۱: نوع معادل‌یابی مترجمان (استعاره‌های سنتی).....
۱۳۱	جدول ۲: نوع معادل‌یابی مترجمان (استعاره‌های جهتی و مفهومی).....
۱۳۴	جدول ۳: تعداد دفعات بکارگیری روش‌ها.....
۱۳۵	نمودار میزان به‌کارگیری هر روش معادل‌یابی.....
۱۳۶	منابع و مأخذ.....
۱۳۶	منابع فارسی.....
۱۳۸	منابع عربی.....
۱۳۹	مجلات.....
۱۴۰	نرم‌افزارها.....
۱۴۲	منابع انگلیسی.....

چکیده

استعاره به عنوان ملکه تشبیهات مجازی، دارای والاترین جایگاه معرفتی و زیباشناختی است که مستعارمنه یا مصداق خارجی این صنعت بیانی به هنگام ترجمه، در بین زبان‌ها، به علت تفاوت فرهنگی دچار ناهماهنگی می‌شود به همین دلیل برگردان آن به زبان دیگر بسیار دشوار و به باور شماری از نظریه‌پردازان معاصر ترجمه، کاری نشدنی است. بنابراین امروزه مترجم در رویارویی با چالش‌های پیش رو، نیازمند تسلط کامل بر هر دو زبان مبدأ و مقصد در ترجمه می‌باشد. با این حال مسأله ترجمه عبارت استعاری، نیازمند توجه و عنایت ویژه‌ای است. آیات قرآن کریم نمونه کاملی از بهترین تعبیر ادبی و تصویرپردازی‌های هنری هستند و ما در این پژوهش به واکاوی سه ترجمه فارسی آن‌ها پرداخته‌ایم این ترجمه‌ها عبارتند از: ترجمه خرمشاهی، مکارم شیرازی و طاهره صفارزاده. در این پایان‌نامه، پس از آشنایی مختصر با مفاهیم استعاره و دیدگاه‌های ترجمه، تصویرهای استعاری در جزءهای ۱۲ تا ۱۵ قرآن کریم را استخراج کرده و به مقایسه ترجمه‌های خرمشاهی، مکارم شیرازی و صفارزاده می‌پردازیم؛ سپس شیوه معادل‌یابی مترجمان را، بر اساس نظریه پیتربیومارک روشن ساخته و آن‌ها را بیان می‌کنیم. نتایج نشان می‌دهد مجموعاً چهار روش از سوی این مترجمان در ترجمه استعاره به کار گرفته شده است که روش‌های تحت‌اللفظی و معنایی به ترتیب پرکاربردترین روش بوده است. روش ترجمه تحت‌اللفظی همراه با افزوده‌های تفسیری به دلیل حفظ اصالت متن اصلی، غنی‌سازی زبان و ادبیات مقصد از شیوه‌های تعبیری جدید، آگاهی خوانندگان ترجمه از زبان مبدأ، گرفتن وجوه شبه مختلف و متعدد و عدم تغییر، مناسب‌ترین و کارآمدترین روش در ترجمه استعاره می‌باشد. تعداد دفعات به کارگیری هر روش در معادل‌یابی به صورت جدول و نمودار نشان داده شده است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، ترجمه، استعاره، خرمشاهی، مکارم شیرازی، صفارزاده، پیتربیومارک

فصل اول: کلیات تحقیق

رابطه انسان با دین قدمتی به طول حیات بشر دارد. واسطه این ارتباط پیامبرانی بودند که در مقاطع زمانی و با حدود مأموریتی خاص ظهور می‌کردند. معجزات پیامبران وجه تمایز آنها از سایر انسان‌های عادی به حساب می‌آمده است. سلیمان (ع) با حیوانات سخن می‌گفت، موسی (ع) عصای خود را به مار تبدیل می‌کرد، عیسی (ع) مرده زنده می‌کرد. اما خاتم النبیین حضرت محمد مصطفی (ص) با اعجازی متفاوت از دیگر پیامبران قدرت لایزال الهی را به نمایش گذاشت. رسول‌الله آخرین فرستاده خداوند روی زمین بود که با پایان حیات بشری‌اش سفره وحی از زمین جمع شد. اما سؤال اینجاست که اگر آخرین رسول، حضرت محمد (ص) بود، پس مسأله هدایت باقی انسان‌ها چه می‌شود؟ و پاسخ در معجزه رسول‌الله است، که با تمامی معجزات پیامبران قبل ایشان متفاوت است. آری، قرآن کریم وظیفه هدایت بشر را در دوران پسایامبری به عهده دارد. قرآن کریم زبانی منظوم دارد و لذا پر از ایهام‌ها و ایجاز است و همین امر سبب شده تفاسیر و ترجمه‌هایی با وجوه متفاوت از این کتاب آسمانی عرضه شود.

۱-۱. بیان مسأله

قرآن کریم کتابی است که به خاطر وجود صناعات لفظی و معنوی و بیان مفاهیم به صورت فصیح و بلیغ از دیگر کتب وحیانی متمایز گشته است. استفاده از تشبیه، استعاره، سجع، مجاز و غیره آنچنان مخاطب را شیفته و مجذوب می‌کند که پا به پای کلام الهی می‌آید تا بهره‌ای از دریای بی‌کران نصیب او گردد. این کتاب به عنوان یک متن دینی وحیانی مطرح است. اگر به دو جنبه دینی بودن و بلاغی بودن این متن بیافزاییم دشوار و خطیر بودن ترجمه بارزتر می‌گردد. این امر ایجاب می‌کند که یک محقق یا مترجم به‌ویژه در مطالعه و ترجمه متنی

همچون قرآن به سادگی از کنار این پدیده گذر نکند، بلکه تلاش نماید تا حد امکان کارکرد این ساختار بلاغی حفظ و به خوانندگان ترجمه منتقل گردد. همچنین با توجه به اهمیت و کاربرد آیات قرآن کریم در میان اقشار مختلف جامعه، ضرورت دقت فراوان در ترجمه متون آن، به ویژه صنایع ادبی (صور خیال) به کار رفته در آن، من جمله، استعاره‌های به کار رفته در آن ترجمه‌ها لازم به نظر می‌رسد، بنابراین کسانی که دست به ترجمه این کتاب گرانقدر می‌زنند به خوبی واقفند که کوچکترین سهل‌انگاری و عدم تخصص در موضوع می‌تواند تبعات و اثرات منفی و ویرانگری داشته باشد و باید در زمینه‌های دینی، بلاغت، و ترجمه، دانش کافی را داشته باشند تا بتوانند یک ترجمه مطلوب را ارائه دهند. وجود جنبه‌های فوق بر اهمیت ترجمه آیات قرآن کریم تأکید کرده و تمامی مترجمین را برای ارائه ترجمه مطلوب به مبارزه می‌طلبد همین موضوع سبب شد تا ترجمه یکی از شیوه‌های بلاغی این کتاب ارزشمند یعنی «استعاره» جزءهای ۱۲ تا ۱۵ قرآن کریم و نحوه ترجمه آن توسط سه مترجم مطرح خرمشاهی، مکارم شیرازی، و صفارزاده را طبق نظریه «پیترومارک» مورد بررسی قرار دهیم. در این پژوهش ترجمه خرمشاهی به این دلیل که وی چهره‌ای دانشگاهی است انتخاب گردید. ترجمه مکارم شیرازی به این دلیل که وی چهره‌ای حوزوی و صاحب تفسیر است و ترجمه صفارزاده به این دلیل که وی صاحب نظر در ترجمه و اینکه قرآن را به زبان‌های دیگر نیز ترجمه کرده است، انتخاب گردید.

۱-۲. پرسش‌های پژوهش

- کدام راهبرد ترجمه استعاره در ترجمه‌های مورد مطالعه بسامد بیشتری دارد و هریک از مترجمان چه راهبردی (بر اساس نظریه پیترو نیو مارک) را بیشتر از سایر راهبردها به کار برده‌اند؟

- در ترجمه استعاره‌ها، کدام ترجمه توانسته است روح کلی حاکم بر آیات را از نظر رعایت ویژگی‌های بلاغی و امانت‌داری در پیام‌رسانی، به نحو دقیق‌تر و قابل فهم‌تری متجلی سازد؟

۱-۳. فرضیه‌های پژوهش

- به نظر می‌رسد با توجه به راهبردهای ارائه‌شده توسط پیتر نیو مارک، ترجمه استعاره به استعاره یا به تشبیه با افزوده‌های تفسیری، در مقایسه با سایر راهبردها از بسامد بیشتری برخوردار است.

- مکارم شیرازی در ترجمه خود بیشتر از راهبرد ترجمه تحت اللفظی استعاره با افزوده‌های تفسیری بهره گرفته است، و خرمشاهی بیشتر از راهبرد ترجمه معنایی استفاده کرده و صفارزاده از راهبرد ترجمه استعاره به استعاره با افزوده تفسیری و گاه نیز از راهبرد ترجمه استعاره به تشبیه با توضیحات استفاده کرده است.

۱-۴. پیشینه پژوهش

(۱) علی پناه‌بیات کشکولی (۱۳۹۳) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی تطبیقی

ترجمه‌های قرآنی محمدمهدی فولادوند در سوره‌های ابراهیم، حجر، نحل و اسراء» که در دانشکده علوم الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شهید چمران اهواز از آن دفاع کرد، ضمن ریشه‌شناسی ترجمه، به تعریف ترجمه و تفسیر پرداخته و تفاوت‌های ترجمه و تفسیر را روشن کرده و اصول و انواع ترجمه، و محاسن و معایب هر نوع را بیان کرده و در پایان به نقد هر یک از ترجمه‌های مترجمان پرداخته است.

(۲) زینب السادات طاهری (۱۳۹۱) پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود را با عنوان «بررسی انواع استعاره

در جزء‌های ۲۱ تا ۲۷ قرآن کریم» که در دانشکده علوم انسانی، دانشگاه سمنان نگاشته، ابتدا به

تعریف فصاحت و بلاغت پرداخته و نظریه‌های جرجانی، ابن اثیر و سکاکی را در این زمینه بیان کرده است. همچنین اهمیت بلاغت و ادوار تاریخی آن را بیان کرده است. وی در ادامه به استعاره پرداخته و انواع استعاره را تعریف کرده و سپس ضمن مشخص کردن استعاره‌های موجود در جزءهای ۲۱ تا ۲۷ قرآن کریم، به تشریح آن‌ها پرداخته است.

(۳) زینب حسنی (۱۳۹۳) پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود را با عنوان «بررسی انواع استعاره در جزءهای ۱۳ تا ۹ قرآن کریم» در دانشکده علوم انسانی، دانشگاه سمنان ارائه داده و در این پژوهش، با توضیحی درباره علم بلاغت، انواع استعاره را به صورت مقدماتی ذکر کرده و در ادامه به بررسی استعاره‌های موجود در جزءهای ۹ تا ۱۳ پرداخته است؛ به این شیوه که ابتدا آیه مورد نظر را ترجمه تفسیری کرده و معنای لغوی و لفظی استعاره را بیان نموده و سپس استعاره آیه را از جنبه‌های مختلف شرح داده است. در این پایان‌نامه صرفاً استعاره‌ها بررسی گردیده است، و با ترجمه آن‌ها و نظریه مورد بحث کاری ندارد لذا با پژوهش حاضر متفاوت است.

(۴) محمد جواد پیشوایی (۱۳۸۷) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی تطبیقی ترجمه قرآن کریم محمد مهدی فولادوند و مصطفی خرم‌دل (ده جزء اول)» در دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز به بررسی تطبیقی ترجمه قرآن توسط مترجمان مذکور پرداخته است.

(۵) علی آزادی (۱۳۸۰) در پایان‌نامه ارشد خود با عنوان «نقد و تحلیل و مقایسه تطبیقی دو ترجمه قرآن (۱۵ جزء اول) از ترجمه‌های مهدی الهی قمشه‌ای و بهاء‌الدین خرمشاهی» در دانشگاه شیراز، دفاع کرده است.

(۶) الخاص ویسی و غلامحسن اورکی، در مقاله خود که در فصلنامه علمی-پژوهشی (پژوهش‌های

ادبی- قرآنی) سال سوم/ شماره اول/ بهار ۱۳۹۴ با عنوان «تحلیل ساختار زبان قرآن در چارچوب

نظریه معاصر استعاره» به چاپ رسید ساختار زبانی قرآن را مورد بررسی قرار داده است. وی هدف

از پژوهش خود را، تحلیل و توصیف ساختارهای استعاری زبان قرآن در چارچوب نظریه معاصر

استعاره و تقسیم‌بندی استعاره‌های مفهومی لیکاف، بیان نموده است.

(۷) حسین هوشنگی و محمود سیفی پرگو (۱۳۸۱) در پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم مقاله‌ای

با عنوان «استعاره‌های مفهومی در قرآن از منظر زبان‌شناسی شناختی» چاپ کرده‌اند که در این

مقاله به تعریف زبان‌شناسی، مفهوم‌شناسی، استعاره مفهومی و اصول آن و نیز حوزه مفهومی

برخی از استعاره‌های قرآنی پرداخته شده است.

(۸) رضا امانی و یسرا شادمان (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «چگونگی معادل‌یابی استعاره‌های قرآنی

در فرایند ترجمه» که در دوفصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات قرآن و حدیث، سال پنجم/ شماره

۲/ بهار و تابستان ۱۳۹۱، به چاپ رسید، به اهمیت استعاره و ترجمه و کارکرد هر یک از آنها بر

اساس نظریه جرجانی و معادل‌یابی استعاره‌های قرآنی مبتنی بر نظریه جرجانی و پیترو نیومارک

پرداخته است.

تفاوت این پژوهش با سایر پژوهش‌ها در این است که در هیچ یک از پژوهش‌های مورد اشاره

معادل‌یابی استعاره‌ها بر اساس نظریه خاصی مورد بررسی قرار نگرفته و تنها در پژوهش شماره ۸

برخی از آیات از همه سوره‌ها بر اساس نظریه جرجانی و نیومارک بررسی گردید ولی در این

پژوهش جزءهای مشخص و تنها بر اساس نظریه پیترو نیومارک بررسی گردید و در انتها نیز به

استعاره‌های مفهومی و جهت‌ی اشاره گردید، که به سایر پژوهشگران پیشنهاد گردید به صورت مفصل به آنها بپردازند و روش معادلیابی استعاره‌ها را مورد بررسی قرار دهند. و تفاوت دیگر این پژوهش با سایر پژوهش‌ها در تنظیم جداول و نمودار است، که در بخش پیوست‌ها آورده شده است.

**فصل دوم: ترجمه استعاره بر
اساس نظریه پتر نیومارک**

۲-۱. ترجمه و روش‌های آن

۲-۱-۱. ریشه‌شناسی واژه ترجمه

واژه ترجمه در لغت، مصدر رباعی از فعل «ترجم» به معنای انتقال کلام از زبانی به زبان دیگر است (فیومی، ۱۴۰۵: ۹۲/۱) به فرایند بازگرداندن چیزی از یک زبان به زبان دیگر (webster, 1985, p. 1241) یا ارتباط دادن معنای یک متن به زبان مبدأ با استفاده از معادل و هم‌عرض آن متن در زبان مقصد (oxford companion, 1992, p. 1051)، نیز ترجمه گویند. ترجمه در اصطلاح، عبارت است از یافتن نزدیکترین معادل یک کلام در زبان مقصد، اول از جهت فهم و بعد از لحاظ سبک (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۶: ۳۱).

«تَرْجَمَةٌ» در لغت، بر وزن «فَعْلَلَةٌ» مصدر رباعی مجرد از ماده «تَرْجَمَ يَتَرْجِمُ» به معنای «برگرداندن کلام از زبانی به زبان دیگر» است (کزازی، ۱۳۷۴: ۱۰/۱). مرحوم دهخدا در لغت‌نامه آورده است: «تَرْجُمَان، تَرْجَمَان، تَرْجَمَان: شخصی را گویند که لغتی را به زبان دیگر تقریر کند. این لفظ عربی و اصل آن در فارسی تَرْزَبَان بوده، آن را مُعَرَّب کرده‌اند، تَرْزَفَان گفته‌اند. همچنین کسی که داننده دو زبان باشد که صاحب یک زبان را به صاحب دیگر بفماند و این معرَّب ترزبان است. و ضَم جیم از آن است که زُبَان به ضَم اول است و به فتح نیز آمده است. و بعد از معرَّب کردن این لفظ، مصدر و افعال و اسماء از آن اخذ کرده‌اند چون تَرْجَمَ، يَتَرْجِمُ، تَرْجَمَةٌ، فَهَوَ مُتَرْجِم. برخی دیگر این واژه را به ریشه واژه آرامی «ترگوم» نسبت می‌دهند (لغت‌نامه دهخدا، واژه ترجمه)».

مترجم در زبان تازی به معنی برگردانیده و ترجمه شده، است. فرهنگ‌نویسان نیز ترجمه را برآمده از ترجمان شمرده‌اند و در بنیاد، پارسی دانسته‌اند. ابن منظور در لسان العرب درباره این کلمه می‌نویسد (۱۴۰۵: ۱۱ / ۲۲۸) «تَرْجَمَان و تَرْجَمَان به معنای مفسر زبان و ناقل آن از زبانی به زبان دیگر است». جوهری نیز در

الصَّحاح (عطار، ۱۳۸۷: ۱ / ۱۹۲۸) ذیل ماده «رجم» می‌نویسد: «تَرْجَمَ کَلَامَهُ: یعنی سخن او را به زبان دیگر تفسیر کرد» و با آوردن سه واژه (التَّرْجُمان، التَّرْجُمان، التَّرْجَمان) ذیل ریشه «رجم» و همچنین راغب اصفهانی (۱۹۹۶: ۲ / ۱۹۰) با آوردن کلمه «التَّرْجَمان» آن را از ریشه عربی «رَجَم» دانسته‌اند. الأب رفائیل نخله الیسوعی (۱۹۹۶: ۱۷۵)، ترجمه را وام گرفته از سریانی می‌داند و به اعتقاد وی «ترجمه از Targume و «ترجمان» از Targmano سریانی گرفته شده‌است. پطرس البستانی (۱۹۹: ۶۹) نیز عقیده دارد: «بعید نیست که «ترجمه» برگرفته از «رجم» کلدانی به «معنی انداختن و پرتاب کردن» و یا برگرفته از «رجم» عربی به معنی «سخن گفتن با حدس و گمان»، باشد». محمود رامیار (۱۹۹۳: ۶۹) نیز به نقل از شهاب الدین الخفاجی در شفا الغلیل فیما ورد فی کلام العرب من الدخیل، ترجمان را اقتباس از «ترزبان» فارسی می‌داند.

۲-۱-۲. روش‌های ترجمه

پیتر نیومارک (۲۰۰۶: ۵۶) برای ترجمه شیوه‌های گوناگونی قائل است از جمله: ترجمه لفظ به لفظ، تحت اللفظی، وفادار، معنایی، اقتباسی، آزاد، سبکی و ارتباطی. جان‌دراین شاعر و نویسنده معروف انگلیسی (۱۷۰۰-۱۶۳۱)، ترجمه را به سه دسته تقسیم می‌کند (هژبرنژاد، ۱۳۷۲: ۱۳۵): ترجمه عبارتی، ترجمه تفسیری و ترجمه تقلیدی. دیگر مترجمان و نظریه‌پردازان مشهور نیز، هر کدام شیوه‌هایی برای ترجمه قائلند که ما در این مجال در صدد بررسی انواع ترجمه نیستیم. لیکن در یک نگاه کلی می‌توان گفت، مترجمان به سه گروه اصلی تقسیم می‌شوند. برخی از آنان با محور قرار دادن متن، در پی عرضه معنای لغوی واژگان و جملات، به مخاطب هستند؛ گروه دوم، در پی فهم پیام و مراد مؤلف و انتقال آن به مخاطب می‌باشند؛ و گروه سوم هم هستند که در ترجمه، مخاطب خود و تخصص وی را در نظر می‌گیرند و متن را بنا به خواسته و سلیقه ایشان ترجمه می‌کنند. (تک‌تبار فیروزجائی، ۱۳۹۴: ۳۰)

قبل از پرداختن به روش‌های ترجمه، ذکر این نکته ضروری است که مترجم باید واحد ترجمه را شناسایی و بعد از آن به ترجمه بپردازد واحد ترجمه که می‌تواند کلمه، مجموعه کلمات، و حتی یک جمله را شامل شود؛ مکانیکی و ثابت نیست بلکه شناور و پویا است و از بافتی به بافت دیگر تغییر می‌کند (شمس آبادی، ۱۳۸۰: ۷۸). واحد ترجمه، مترجم را در جهت کشف بهتر ترجمه یاری می‌رساند. برای مثال کلمه «مسقط» به معنای محل افتادن می‌باشد و به تنهایی واحد ترجمه است. حال اگر به کلمه «الرأس» اضافه شود، ترکیب «مسقط الرأس» (زادگاه) ایجاد می‌شود، واحد ترجمه را باید کل ترکیب به حساب آورد زیرا در اینجا «مسقط» به تنهایی معنی مطلوب را نمی‌دهد. ضرب المثلی است که می‌گوید: «ترجمه همچون زن است اگر زیبا باشد وفادار نیست و اگر وفادار باشد زیبا نیست» (امامی، ۱۳۷۵: ۱۷۱).

با وجود این چندین نوع شیوه ترجمه از سوی مترجمان ارائه شده است و هر کدام از آن مترجمان دلایلی برای تأیید و کارا بودن آن‌ها ذکر نموده‌اند، قبل از آشنایی با انواع ترجمه باید هدف آرمانی ترجمه را دانست، نجفی در اثر در این باره به نقل از روژه کایوا یکی از صاحب نظران ترجمه، درباره ترجمه خوب چنین می‌گوید «خوب ترجمه کردن آثار شکسپیر یا پوشکین به فرانسه [یا هر زبان دیگری] یعنی نوشتنِ متنی که شکسپیر یا پوشکین اگر به جای امکانات زبان انگلیسی یا روسی، امکانات زبان فرانسوی را در اختیار داشتند آن را می‌نوشتند، پس ترجمه خوب نه ترجمه لفظ به لفظ است و نه ترجمه ادیبانه، بلکه عبارت است از ابداع متنی (اعم از واژگان و جمله‌بندی (و سبک) که نویسنده اگر زبان مادریش همان زبان مترجم بود آن را می‌نوشت (نجفی، ۱۳۶۵: ۱۴-۳).

با توجه به گفته روژه کایوا، ترجمه خوب، خلق کردن و نوشتنِ متنی مثل زبان مبدأ می‌باشد بنابراین مترجم نباید به گونه‌ای ترجمه کند که حاصل کار او زیباتر از متن اصلی باشد، مثلاً اگر جمله ساده «جاء علیٌّ و

هو من البطلة» را به جمله استعاری «شیر آمد» ترجمه کنیم، خیانت در ترجمه است این مطلب به گونه‌ای مهم است که اگر مثلاً جمله استعاری زبان مبدأ را به جمله استعاری دیگر ترجمه بکنیم باز هم به نویسنده متن خیانت کرده‌ایم مگر اینکه ترجمه تحت اللفظی استعاره در زبان مقصد کارایی فرهنگی و یا زبانی نداشته باشد. صاحب‌نظران تقسیم‌بندی‌های مختلف از روش‌های ترجمه ارائه داده‌اند. مثلاً گروهی شیوه‌های ترجمه را بر حسب سطوح و رویکردهای نظری تقسیم‌بندی می‌کنند: (یعقوبی، ۱۳۸۴: ۵۸)

الف) ترجمه تحت اللفظی: که در آن متن کلمه به کلمه و خط به خط از زبانی به زبان دیگر برگردانده می‌شود.

ب) روش نقل به معنی: مترجم نویسنده را همواره مد نظر دارد اما توجه خود را بیشتر به معنی متن معطوف می‌دارد تا به لفظ. مترجم معنی متن را به بیان دیگر باز می‌گوید اما تغییری در آن ایجاد نمی‌کند.

ج) روش سوم روش اقتباس (imitation) است. در این روش مترجم (اگر بتوان او را مترجم نامید) به خود اجازه می‌دهد که در لفظ و معنی تصرف کند و در مواردی هر دو را کنار بگذارد، نکات چندی از متن الهام می‌گیرد و به میل خود متن را بازنویسی می‌کند (درآیدن، ۱۳۷۱: ۱۷). و بر اساس عملکرد ترجمه‌ها را به سه دسته تقسیم می‌کنند (همان: ۵۸).

۱) ترجمه کاربردی: تأکید اصلی بر دقت ترجمه و حفظ محتوای معنایی متن اصلی است. آگاهی از موضوع و ویژگی‌های متن از اهمیت خاصی برخوردار است. نمونه چنین ترجمه‌هایی را می‌توان در بروشور لوازم آرایشی، وسایل صوتی و تصویری و ... مشاهده کرد.

۲) ترجمه زیبایی شناسانه: خاص متون ادبی است و در آن انتقال حال و هوا و حس و سبک ادبی اثر به اندازه برگرداندن رسا و شفاف متن اهمیت دارد.

۳) ترجمه‌های قوم‌نگارانه: هدف اینگونه ترجمه‌ها، توجه کامل به زمینه‌های فرهنگی مؤلف و فضای اجتماعی و فرهنگی محیط اوست. در این ترجمه‌ها تمایزات قومی اجتماعی بین زبان مبدأ و مقصد در نظر گرفته می‌شود. و گروهی بر این باورند که ترجمه در نخستین گام به گونه ترجمه شفاهی (interpretation) و ترجمه مکتوب (Translation) قابل تقسیم است که در ادامه به تفصیل شرح داده می‌شود.

۲-۱-۳. انواع ترجمه

این نوع ترجمه را اغلب ترجمه میان سطری می‌نامند؛ ترجمه‌ای که در آن معادل هر واژه‌ای در زیر آن به همان ترتیب زبان مبدأ نوشته شود، آرایش زبان کلمات زبان مبدأ به همان ترتیب حفظ می‌شود و واژه‌ها با رایج‌ترین معنایشان و بدون توجه به بافت متن ترجمه می‌شود. واژه‌های فرهنگی دقیقاً به صورت تحت اللفظی ترجمه می‌شود (نیومارک، ۱۳۷۲: ۵۷).

استفاده اصلی از ترجمه لفظ به لفظ یا برای فهم ترکیب اجزاء زبان مبدأ یا برای شرح و تحلیل متون دشوار است و به عنوان مرحله پیش ترجمه اعمال می‌شود (همان: ۵۷).

بسیاری از منابع به اشتباه تفاوتی بین ترجمه تحت اللفظی و لفظ به لفظ قائل نشده‌اند و آن‌ها را مترادف هم می‌آورند، حال آنکه در ترجمه تحت اللفظی ساختار صرفی نحوی و معنایی متن ترجمه نیز تا اندازه‌ای رعایت می‌شود.

نویسندگانی دست به این نوع ترجمه می‌زنند که آشنایی کافی به هر دو زبان ندارند و محدوده دانش آن‌ها شامل یک سری از لغات و کلمات جداگانه زبان مقصد می‌باشد. البته این ترجمه ممکن است تنها با هدف آشنا کردن لغات زبان مبدأ (به صورت جداگانه) یا برای شرح و تحلیل متون دشوار به کار برود پس می‌توان گفت که ترجمهٔ لفظی همیشه ترجمه مناسبی نیست این روش ترجمه، گاهی با توجه به نوع متن می‌تواند بهترین باشد. مانند متون دینی، ادبی به خصوص شعر (فرخ زاد، ۱۳۸۳: ۷۰).

ترجمه تحت اللفظی

در این نوع ترجمه ساختارهی دستوری زبان مبدأ به شبیه‌ترین معادل‌های آن‌ها در زبان مقصد تغییر داده می‌شود. اما در این روش هم، معنی قاموس کلمات بدون توجه به متن ترجمه می‌شوند (نیومارک، ۱۳۷۲: ۵۷)

انتخاب اولین و رایج‌ترین معنی کلمه که مترجم در فرهنگ لغت یافته و یا در ابتدایی‌ترین مرحله آموزش زبان قرار گرفته علت اصلی پیدایش ترجمه تحت اللفظی، معادل ناقص و تجاوزات نامعقول نسبت به زبان می‌باشد (صفارزاده، ۱۳۸۴: ۲۵).

معایب ترجمه تحت اللفظی

- الف- در این نوع ترجمه، مترجم بیشتر در معرض تاثیر پذیری از ساختار دستور زبان مبدأ است، که این کار صدمه بزرگی بر ساختار زبان مقصد وارد می‌کند. ب- متن آن‌ها به زبان محاوره نزدیک‌تر است تا به زبان فصیح. ج- پابندی بیش از حد مترجم به واژگان متن اصلی بدون توجه به مفهوم آن.
- د- افراط در امانت داری.

ه- معطوف شدن توجه مترجم به اندیشه نویسنده و به کلماتی که او برگزیده به معادل‌های تک تک کلمات در زبان دیگر و نیز به تعداد کلمات و قافیه متن اصلی و چندین مورد دیگر (معروف، ۱۳۷۱: ۱۷).

فواید ترجمه تحت اللفظی

ترجمه تحت اللفظی با وجود عیب‌هایی که دارد دارای مزایایی هم هست (همان: ۱۶).

الف- اهداف آموزشی ب- ترجمه متون دینی، مانند قرآن و احادیث معصومین که مراعات امانت در آن‌ها اهمیت بسزایی دارد.

ترجمه وفادار

هدف از ترجمه وفادار آن است که معنای دقیق متن اصلی در چارچوب ساختارهای دستوری زبان مقصد بازآفریده شود. در این ترجمه واژه‌های فرهنگی «تبدیل» می‌شود و «نابهنجاری» واژگانی و دستوری (انحراف از معیارهای زبان مقصد) ترجمه را برطرف می‌کند. در این روش ترجمه سعی بر وفاداری کامل به اهداف و مفهوم متن نویسنده زبان مبدأ است (نیومارک، ۱۳۷۲: ۵۷).

ترجمه معنایی (محتوایی)

در جریان ترجمه، مترجم با دو زبان مبدأ و مقصد درگیر است او می‌بایست سعی بر آن داشته‌باشد که خواننده، ترجمه‌اش را دریابد و ضمناً پیام نویسنده نیز تحریف نشود.

ترجمه معنایی، نویسنده را مهم‌تر از خواننده در نظر می‌گیرد. مترجم در چنین شرایطی سعی بر آن دارد تا صرفاً پیام متن را به خواننده القا کند؛ بدین ترتیب این امکان همواره وجود دارد که ساخت‌های صوری و معنایی نامأنوس به زبان مقصد راه یابد (صفوی، ۱۳۸۶: ۱۶).